

اسفندگان، جشن زنان

دکتر پرویز رجبی

۱- مقدمه: شاید در میان جشن‌های ایران باستان، هیچ جشنی به اندازه اسفندگان، آخرین جشن از جشن‌های ماهانه، عاری از منبع تحقیق نباشد. پرداختن به اسفندگان بیشتر از این روی حائز اهمیت است، که این جشن، جشن زنان است. اسفند در آیین زرتشت مظهر بردباری و تواضع اهورمزدا است و تخصیص اسفند روز اسفندماه به جشن «روز زن» ایران باستان، حکایت از توجه ایرانیان باستان و پیامبرشان، زرتشت، به زنان دارد.

در این بررسی، که به خاطر فقدان منبع، بسیار کوتاه خواهد بود، می‌کوشیم، با این جشن آشنایی بیشتری پیدا بکنیم.

۲- واژه اسفند: «سپنتا آرمی» Spēntāarmati (= آرمیتی armaiti) ترکیبی از سه جزء «سپنته» Spēnta (به صورت مؤنث ← Spēntā)، یعنی پاک و نا-

→ اکنون برپایه آن چه گفته شد، فراخوان خود را از برادران ارجمند یهود بازگو می‌کنم. سازمان سهیونسم و دولت اسرائیل برای خودشان هیچ دردی را درمان نکردند چه رسد برای من و شمای ایرانی. «میهن پرستی دوگانه» محال است. بیایید این ایران گرامی را از آن خود بدانید و در خوب وبد آن با ما انباز گردید. ما برای ساختن ایرانی آزاد و آباد حقاً و واقعاً و به ویژه به یاری شما اقلیت‌های قومی و نژادی و قبله‌ای و طایفی نیاز داریم. بیایید با هم برادرانه بنشینیم و دردهامان را در میان بگذاریم و پس از هم‌اندیشی و گفت و گوهای بسنده، آن راه‌گشایی را که بهترین است، برگزینیم. من از گردانندگان مجله «چیستا» و کارگزاران دولت جمهوری اسلامی (به ویژه وزارت ارشاد و رادیو - تلویزیون) هم‌خواهش می‌کنم که ما را در این کار یاری کنند. همه بیابندسختان خود را در میان بگذارند. از روزنامه‌ها، مجله‌ها و گاهنامه‌های ایران نیز خواهش می‌کنم با گسترده‌اندیشی، مجال باز شدن روی دمل را بدهند. یقین بدانید که تالی فاسدی نخواهد داشت. یقین بدانید که سهیونیان سخنی برای گفتن ندارند مگر از قبیل آن‌چه خداوند در قرآن می‌فرماید:

او کسر اب بقیعة یحسبه الظمان ما تأحتی اذا جائه لم یجده شیئاً و وجد الله عنده فوفاه حساباً و الله مرید الحساب.

آلوده (= مقدس)، و «ارم» arəm، یعنی درست و به جا (= همان خودش!)، و «متی» mati (از ریشه مصدری «من» man = اندیشیدن).

به این ترتیب «سپنتا آرمتی» (< سپندا آرمتی < سپندار متی < سپندارمت < سپندار مذ [فارسی نو] < اسپندار مذ < اسپند < اسفند) یعنی اندیشه درست پاک (= اندیشه نیک = سازگاری = بردباری = فروتنی مقدس)¹.

۳- اسفند در گائاه‌ها: چون هنوز از وجود و نقش هفت امشاسپندپیش از زرتشت، که پیامبر ایران باستان در سرودهای خود به آن‌ها اشاره می‌کند، اطلاع چندانی نداریم²، ناگزیر بهترین نقطه شروع برای آشنایی با این امشاسپندان سرودهای خود پیامبرند. زرتشت در گائاه‌ها ۱۸ بار رسماً از اسفندارمذ یاد می‌کند. از مجموع این اشاره‌ها چنین برمی‌آید، که آرایش بهشت نکاستنی با اسفندارمذ است³. اسفندارمذ سازنده جانوران است⁴ و سرگردانانی را، که هنوز درست از نادرست تشخیص نمی‌دهند، یاری می‌کند⁵. و حتی زرتشت از او می‌خواهد، که در روز رستاخیز در آمرزیده شدن او (و پیروانش)

۱- درحالی‌که در صحاح الفرس محمدبن هندو شاه سمرقندی از سده هشتم هجری، مانند بیشتر ماه‌های دیگر، اشاره‌ای به اسفند شده است، ابو خلیف تبریزی در برهان قاطع (۱۰۶۲ هجری قمری) می‌نویسد: «سپندارمذ... به معنی اسفندارمذ است، که ماه دوازدهم از سال شمسی باشد. و نام روز پنجم از ماه‌های شمسی هم هست. این روز را **فارسیان** بنا بر قاعده کلیه، که پیش ایشان معمول است: که چون نام ماه با نام روز موافق آید عید کنند، **در این روز جشن سازند و عید نمایند. نیک است رخت پوشیدن و درخت نشاندن** در این روز به اعتقاد ایشان. و به معنی زمین هم گفته‌اند [←] و نام فرشته‌ای هم هست که موکل زمین و درخت‌ها است و مصالح این ماه بدو تعلق دارد.

۲- بعضی از دانشمندان از پیوند میان «ارامتی» arāmati ریگ‌ودا با «آرمتی» گائاه‌ها سخن به میان می‌آورند و می‌گویند، اسفندارمذ تنها امشاسپندی است، که در ریگ‌ودا هم (به صورت یکی از ایزدان) به چشم می‌خورد، مابقی آن‌که وجود این پیوند را غیرممکن بدانیم، هنوز قرائن و شواهد موجود را برای اثبات این پیوند کافی نمی‌دانیم. جا دارد این پیوند و اصولاً خویشاوندی فرهنگی و مذهبی ریگ‌ودا و گائاه‌ها از نو مورد یک بررسی همه جانبه قرار گیرد. بدیهی است در این بررسی فقه‌اللغه و خویشاوندی میان واژه‌های گائایی و ودایی فصل ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد.

۳. یسنا ۲۸، بند ۷. آیا با توجه به این‌که سپندارمذ، دختر اهورائی (←) تبلور شخصیت زن در ایران باستان است، این‌که می‌گوییم، «کلید بهشت زیر پای مادران است» توجه به نقش این امشاسپند در ایران باستان داریم؟

۴. یسنا ۳۱، بند ۹.

۵. یسنا ۳۱، بند ۱۲.

به او کمک بکنند^۶، و در جهان مادی به او توش و توان و نهاد راستین دهد^۷، و بد-
 کردارانی را که از نیکی روی می گردانند از راستی به دور دارد^۸. سپندارمذ همواره کارساز
 است و یاور راستی^۹ و زرتشت از او می خواهد، در قبال نیکی هایی که برای دینداران
 آرزو می کند، برای او (و پیروانش) پاداش بیخشاید^{۱۰}. اسفندارمذ گشایش بخش هستی
 است^{۱۱} و به کشتزاران رامش می دهد^{۱۲}. و چون موکل زمین است زرتشت از او می خواهد،
 تا در روی زمین تنها فرمانروایان خوب به فرمانروایی برسند و مردم زندگی پاکی داشته
 باشند و چارپایانی که مایه حیاتند پرورش یابند^{۱۳}.

همین مختصر همه آن چیزی است، که ما به کمک گائها درباره سپندارمذ به دست
 می آوریم. جز این، هر چه می دانیم، از حدود شش تا ۱۶ قرن پس از زرتشت تألیف
 یافته است^{۱۴}! - البته لابد میتنی بر اسناد و مدارکی که در دست مؤلفان بوده است^{۱۵}.

۴- زن در آیین زرتشت: در بخش نخست این گزارش اشاره کردیم، که اسفندگان
 جشن زنان است و به عبارت دیگر پنجم اسفند در ایران باستان روز زن بوده است. بنابر-
 این توجه به نقش زن در آیین زرتشت حائز اهمیت است.

با توجه به نقشی که الاهیهای مادر و اصولاً رب النوع های مؤنث در ایران باستان

۶. یسنا ۳۲، بند ۱۱.

۷. یسنا ۳۳، بند ۱۲ و ۱۳.

۸. یسنا ۳۴، بند ۹.

۹. یسنا ۳۴، بند ۱۵.

۱۰. یسنا ۴۳، بند ۱۶ و ۱۶ و یسنا ۴۴، بند ۱۶.

۱۱. یسنا ۴۶، بند ۱۱.

۱۲. یسنا ۴۷، بند ۳.

۱۳. یسنا ۴۸، بند ۵.

۱۴. در بند هشت (سده دهم میلادی؟)، سپندارمذ چهارمین امشاسپندی است، که اهورمزدا
 آفریده است و وظیفه او در روی زمین پرورش آفریدگان است. «او را نهکویی این
 که فروتن است. او را گله اویار (ی) آیین که بدی را (که) بر سپندارمذ زمین رسد، همه
 را بگوارد. او را کمال اندیشی این که همه بدی را که بدو کنند و به خرسندی بپذیرد. او
 را رادی این که همه آفریدگان از اوزینند» [ترجمه مهرداد بهار، (اساطیر ایران، تهران
 ۱۳۵۲)، صفحه ۵۲ و ۵۳].

دین پناه سپندارمذ است و در حالی که بنا بر بند هشت، دین نخست بر بهمن آشکار شده است،
 به قول گزیده های زاد اسپرم (سده دهم میلادی)، «(دین) نخست بر زمین، بر سپندارمذ
 آشکار شد، سپس به هرمزد» [همان جا، صفحه ۱۴۹]

۱۵. درباره موقعیت منابع قابل دسترس مؤلفان، نگاه کنید به مقدمه ای برای بهمنگان و
 «سده»، پرویز رجیبی، چیستا، شماره ۶، بهمن ماه ۱۳۶۰.

(درمیان ایرانیان آریایی و یا بومیان پیش از کوچ آریائی‌ان) داشته است، احترامی که آیین زرتشت برای زن قائل است - صرف نظر از نظرات شخصی و انسانی زرتشت آزاده - بسیار موجه به نظر می‌رسد.

تاکنون هیچ سندی به دست نیامده است، که حاکی از آن باشد، که در آیین زرتشت به نحوی زن مورد تحقیر قرار گرفته باشد. و در سراسر ادبیات مزدیسنا همواره زن مورد توجه خاص بوده است و با اسنادی که تاکنون به دست آمده اند، هیچ مورخی نمی‌تواند سخن از برتری معنوی مرد بر زن به میان بیاورد. و اگر در اساطیر ادبیات مزدیسنائی پهلوانان نامدار قلمرو زندگی مادی را مردان تشکیل می‌دهند، قهرمانان زندگی غیرمادی، اغلب الاهی‌های بسیار ارجمندی هستند، که ستایش آن‌ها و توانایی‌هایشان، زیباترین اوراق غنائی ادبیات مزدیسنائی را به خود اختصاص داده‌اند.

میترا و آناهیتا، اگر هم پیش از ظهور زرتشت از خدایان نیرومند ایرانیان بودند^{۱۶}، پس از زرتشت - صرف نظر از ملاحظه‌های سیاسی و اجتماعی - به خاطر احترام مردم به ایشان، از طرف آیین زرتشت استقبال می‌شوند و با چهره‌هایی دلپذیر و ستودنی، در قلمرو آیین، براریکه‌های پرحرفی تکیه می‌زنند!

تنها حرمت به زن است، که می‌تواند از میترا و آناهیتا چهره‌هایی بسازد، که مهر یشت و آبان یشت به دست می‌دهند. در مهر یشت میترا زنی است، که دارای هزار گوش است. - خوش اندامی که دارای هزار چشم است. - بلند بالای که در بالای برج پهن ایستاده. و زورمندی است، که بی‌خواب، پاسبان است. - نخستین ایزد مینوی، که پیش از خورشید فنا ناپذیر تیز اسب در بالای کوه‌ها [البرز] برآید. - نخستین کسی که با زینت‌های زرین، آراسته از فراز زیبا سر به در آورد. از آن‌جا، آن مهر بسیار توانا، تمام منزلگاهان آریایی را بنگرد. ده هزار دیده‌بان دارد. توانا و از همه چیز آگاه و فریفته نشدنی است. از اوست، که خانه‌های مترگ از زنان بواژنده برخوردار است. از گردون‌های برازنده از بالش‌های پهن و بسترهای گسترده بهره‌مند است. در میان چالاکان چالاک‌ترین و در میان ناشناسان ناشناس‌ترین. در میان دلیران دلیرترین. در میان زبان‌آوران زبان‌آورترین. در میان گشایش دهندگان گشایش دهنده‌ترین... کسی که پسران بخشد. کسی که زندگانی بخشد. کسی که سعادت بخشد. کسی که نعمت بخشد^{۱۷}.

و در آبان یشت، آناهیتا زنی است، زورمند و درخشان، سوار بر گردونه، لگام بردست، روان در جستجوی نام‌آوری است. با چهار اسب بزرگ و سفید یک رنگ و یک

۱۶. درباره میترا و آناهیتا نگاه کنید به «مهرگان» و «آبانگان»، پرویز رجبی، چیستا، شماره‌های ۲ و ۳، مهر و آبان ۱۳۶۰.

۱۷. مهر یشت (ترجمه استاد پورداود)، بندهای ۷ و ۱۳ و ۲۷ و ۳۰ و ۶۵.

نژاد... اسب‌های گردونه آن‌ها را اهورمزدا از باد و باران و تگرگ و ژاله ساخته است. آن‌ها مطیع کیش اهورایی است و سزاوار است، که در جهان مادی مورد ستایش و نیایش قرار گیرد، که جان افزاست و فزاینده گله و رومه و ثروت است و گیتی و مملکت. او نطفه همه مردها را پاک می‌کند و مشیمه زن‌ها را برای زایش پاک می‌کند و زایش را آسان می‌سازد و به زنان باردار شیر می‌دهد. برای او بر روی دیوان [تخت] بستری زیبا و معطر با بالش‌های گسترده مهیا است. اهورمزدا آن‌ها را از نیروی خودش به وجود آورده است، تا خانه و ده و قریه و مملکت را بیرواند. بازوان سفید آن‌ها به ستبری شانه اسب‌ها است. او باشکوه و آراسته و نیرومند است. دختر جوان بسیار برومند و خوش اندامی است. کمر بند به میان بسته، راست بالا، آزاده نژاد، و شریف، که يك جبهه قیمتی پر چین زرین دربر دارد. گوشواره‌ای دارد چهار گوش و زرین و طوقی زیبا برگردن نازنینش. او کمر بند می‌بندد، تا سینه‌هایش ترکیب زیبا بگیرند و اندامش حالتی مطبوع پیدا کند... آن‌ها به فرمان اهورمزدا به زمین می‌آید، تا دختران دم بخت و زنان جوان در وضع حمل از او یاری بطلبند.^{۱۸}

چقدر باید دختران دم بخت و زنان جوان مورد توجه خاص اهورمزدا باشند، تا فرشته‌ای از جنس خودشان مأمور آرامش آنها شود و مشیمه‌شان را برای زایش آسوده پاک کند و زایمان را آسان سازد و سینه‌شان را پر شیر؟...

متأسفانه حجم گائاه‌ها، نه تنها در مورد هر مسئله و پدیده دیگری، که تحقیق در باره‌اش از ضرورتی برخوردار است، بسیار ناچیز است. با این همه در همین فضای کوچک به خوبی می‌توان از نظر پیامبر ایران باستان درباره زن برداشت خوش هنجاری داشت: زرتشت جاماسب را برای پوروچیستا، جوان‌ترین دختر خسود به شوهری نام می‌زند، اما از او می‌خواهد، پس از يك اندیشه گماری نیکو و مراجعه به خرد خود تکلیف پارسایی‌اش را به جای آورد^{۱۹}. و جاماسب می‌گوید، پوروچیستا را به دلگرمی به دین رهبری می‌کنم، تا پدرش و شوهرش و برزیگران و آزادگان را از او خوشنودی فراهم آید^{۲۰}. آن‌گاه زرتشت خطاب به دوشیزگان در حال شوی گرفتن می‌گوید:

«سخنانی به دوشیزگان به شوی رونده گویم و به شما (نیز) پند دهنده. آن را به یاد بسپارید و دریابید، در نهادهای (خود) در کوشش زندگی منش نیک در راستی یکی از شما باید بر دیگری برتری جوید. چه این از برای وی

۱۸. برگرفته از سراسر مهبروش!

۱۹. گائاه‌ها، یسنا ۵۳، بند ۳.

۲۰. همان‌جا، بند ۴.

مزد خوب بود»^{۲۱}.

با همه کوتاهی کلام زرتشت، از قدیمی‌ترین سند مکتوب ایرانی درباره زن چنین برمی‌آید، که پیامبر با توجه خاصی نگران سعادت دوشیزگان و زنان است و از آنان می‌خواهد، تا در پرداختن به راستی بر یکدیگر برتری جویند. و چنین است، که در آیین زرتشت، روز خاص سپندارمذ، دختر اهورائی^{۲۲}، به زن اختصاص داده می‌شود. شاید به خاطر شباهت زن به زمین، از نظر باروری است، که زرتشت چنین مقام والایی را برای زن قائل می‌شود و برای این مقام تبلیغ می‌کند:

«ایدون این زمین، زمینی را که ما را دربر گرفته است و این زنان را نیز می‌ستاییم. و آن زنانی را که از آن تو بشمارند، ای اهورمزدا، و از راستی برگزیده برخوردارند، ما می‌ستاییم»^{۲۳}.

۵- جشن اسفندگان: متأسفانه، مانند همه جشن‌های ایران باستان، از چند و چون جشن اسفندگان نیز بی‌خبریم. حدود پانزده قرن پس از زرتشت ابوریحان بیرونی درباره اسفندگان می‌نویسد: «اسفندارمذ ماه روز پنجم آن روز اسفندارمذ است و برای اتفاق دو نام آن را چنین ناهیده‌اند و معنای آن عقل و حلم است. و اسفندارمذ فرشته موکل به زمین است. و نیز برزنهای درست کار و عقیق و شوهر دوست و خیرخواه موکل است و در زمان گذشته این ماه، به ویژه این روز، عید زنان بوده و در این عید مردان به زنان بخشش می‌نمودند [هدیه می‌دادند] و هنوز این رسم در اصفهان و ری و دیگر بلدان پهلایه باقی مانده و به فارسی مردگیران می‌گویند»^{۲۴}. گردیزی درباره جشن اسفندگان می‌نویسد: «... و این نام فرشته‌ای است، که بر زمین موکل است و بر زنان پاکیزه مستوره. و اندر روزگار پیشین این عید خاصه مرزنان را بودی، و این روز را مردگیران گفتندی، که به مراد خویش مرد گرفتندی...»^{۲۵}.

با توجه به اینکه جشن مردگیران هنوز در بعضی از روستاهای ایران (البته نه حتماً روز پنجم اسفند) وجود دارد، جا دارد این جشن در سطح کشور، مخصوصاً در روستاها و شهرهای کوچک قدیمی مورد بررسی قرار گیرد^{۲۶}.

۲۱. گائاه، بند ۵، ترجمه استاد پورداود (با توجه به تفسیر این بند).

۲۲. یسنا ۴۵، بند ۴.

۲۳. یسنا ۳۸، بند ۱. برای مطالعه در توجه آیین زرتشت به زن، فروردین یشت نیز می‌تواند سودمند باشد.

۲۴. آثار الباقیده، ترجمه علمی اکبر دانا سرشت، تهران ۱۳۵۲، صفحه ۳۰۱ و ۳۰۲. ابوریحان در کتاب دیگر خود، التفهیم، می‌نویسد: «... و پارسیان او را مردگیران خوانند. زیرا که زنان بر به شوهران اقتراح‌ها کردند و آرزوی‌های خواستندی از مردان» (به کوشش استاد همایی، تهران ۱۳۵۲، صفحه ۲۶۰).

۲۵. زین‌الاحبار، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران ۱۳۴۷، صفحه ۲۴۷.

۲۶. تا جایی که نگارنده می‌داند، در روستای فرخان، سه کیلومتری شرق قوچان، هنوز این جشن روز سیزده فروردین برگزار می‌شود...